

یادداشت

فوادایزدی | کارشناس مسائل آمریکا

دلایل تمدید آتش بس موقت

تمدید آتش بس از زاویه دید دونالد ترامپ به طور اجمالی سه کارکرد دارد؛ اول، با توجه به این‌که نقشه جنگ به شکل مطلوب پیش رفت، دشمن نیاز به فضای تنفسی برای بازسازی نظامی دارد. ارتش آمریکایی- صهیونیستی متناسب با اهداف‌شان خود را نیازمند دوره‌ای برای تدارک حمله بعدی می‌بینند به خصوص که تجهیز و بازآمد سامانه‌های دفاعی زمان‌بر است.

دوم، مهار فشار فراینده اقتصاد داخلی آمریکاست که به‌طور خاص به‌واسطه افزایش قیمت بنزین و به طبع آن روی سایر ابعاد معیشتی آمریکا و همین‌طور نگرانی از تأثیر آغاز دوباره جنگ بر اوج گرفتن روند افزایش قیمت نفت فعلا ترامپ را وادار به این اقدام احتیاطی کرده است.

سوم، مدیریت فشار سیاسی و نقش کنگره در بحث ارائه مجوز جنگ است. می‌دانیم که شصتمین روز شروع جنگ حساسیت بالایی دارد، زیرا در صورت رأی‌گیری دوباره در مجلس نمایندگان، نتایج ممکن است تغییر کند و تأمین بودجه جنگ با چالش روبه‌رو شود. افزایش هزینه‌های نظامی و نیاز به موافقت دو مجلس، موردی است که هیات حاکمه آمریکا را می‌تواند با چالش‌های جدیدی روبه‌رو سازد. در این میان، ایستادگی ایران تا آخرین لحظه و تأکید بر رفتن پای میز مذاکره بدون رفع محاصره، نشان‌دهنده هوشمندی و مدیریت راهبردی کشور است. آمریکایی‌ها به دنبال تحمیل آتش بسی از نوع اسرائیلی بودند. سبک آتش بس اسرائیلی این است که به طرف مقابل می‌گوید شما به ما شلیک نکنید اما ما به شما شلیک خواهیم کرد، چنان‌که می‌بینیم به‌رغم اعلام آتش بس در غزه اما در چند ماه گذشته بمباران و تجاوز به این مردم مظلوم ادامه دارد و در همین مدت ۸۰۰ نفر از مردم آنجا شهید شده‌اند. ایران هم اگر به آتش بس مطلوب ترامپ تن می‌داد یعنی با وجود اعلام توقف حمله، ولی حمله به کشتی‌های ایرانی و محاصره دریایی دشمن را به رسمیت شناخته بود. ایران با حفظ موقعیت اقتدارآمیزش و اتخاذ مواضع هوشمندانه و پایبندی به حفظ اصل انسجام میدان - دیپلماسی، به‌طور مرتب و با حد اکثر آگاهی محیطی و با شناخت کافی از انگیزه‌های اصلی طرف آمریکایی از تمدید آتش بس در حال مرور سناریوهای احتمالی جنگ است؛ به این معنا که اولاً اجازه نمی‌دهد دشمن قواعد و تعریف دیپلماسی را بازتعریف کند و تغییر دهد و قدرت تصمیم‌گیری‌های راهبردی را از ما سلب کند و همزمان در سطح میدانی در حال رصد تحرکات دشمنان در میدان و ارتقای آمادگی‌های دفاعی-تهاجمی است تا زمینه‌های غافلگیری را از حریف بستاند و ضربات آتی را در دناک تر وارد کند.

ذره بین

پاسخ حزب الله به نقض آتش بس

دربی پاسخ مقاومت به تجاوزات رژیم اشغالگر، رسانه‌های رژیم صهیونیستی از فعال شدن سامانه‌های پدافند هوایی در منطقه الجلیل غربی خبر داد. حزب‌الله اعلام کرد که توپخانه تازه تاسیس ارتش اشغالگر در شهرک البیاضه را با یک پهپاد هدف قرار داده و شعله‌های آتش در یکی از اتاق‌های آن دیده شده است. حزب‌الله در بیانیه خود اعلام کرد این عملیات در چارچوب دفاع از کشور و ملت لبنان و در پاسخ به نقض توافق آتش بس از سوی رژیم صهیونیستی و استمرار حملات آن به روستاهای جنوب لبنان انجام شد. در این باره سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی اذعان کرد که حزب‌الله یک پهپاد را به سمت نیروهای آن در جنوب لبنان شلیک کرده است. همچنین روزنامه الاخبار چاپ لبنان نوشت که رژیم صهیونیستی یک دستگاه خودرو را در مسیر «الطیری» در شهر «بنت جبیل» در نزدیکی محل حضور تعدادی خبرنگار از جمله «آمال خلیل» و کادر همراه او را هدف قرار داد. به نوشته الاخبار، در این حمله چند غیرنظامی آسیب دیدند اما خبرگزاری رسمی لبنان خبر داد که در حمله رژیم صهیونیستی به این خودرو، دو نفر به شهادت رسیدند. چندین زخمی از جمله روزنامه نگاران، در دومین حمله هوایی اسرائیل به شهرک الطیری در جنوب لبنان گزارش شد. نیروهای اسرائیلی مانع رسیدن آمبولانس‌ها به شهرک الطیری شدند. پیشتر، رودولف هیکل، فرمانده ارتش لبنان دیروز در سخنانی در جمع سربازان ارتش گفت صلح مدنی، قوی‌ترین سلاح برای محافظت از لبنان در برابر خطراتی است که آن را تهدید می‌کند. به گزارش النهار، هیکل تأکید کرد لبنان هر وجب از خاک خود را که تحت اشغال اسرائیل قرار دارد، پس خواهد گرفت. همچنین او گفت هر کسی به نهاد نظامی حمله کند و نقش آن را زیر سؤال ببرد، آگاهانه یا ناآگاهانه، در خدمت اهداف اشغالگری اسرائیل است و به اختلافات داخلی دامن می‌زند. این نهاد بهترین فرزندان خود را به عنوان شهید و زخمی برای محافظت از لبنان تقدیم کرده است.

دونالد ترامپ، چهل و هفتمین رئیس‌جمهور آمریکا با شعار «نه به جنگ‌های ابدی» طی سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۴ بر رقبای دموکرات جریان اصلی خویش پیروز شد اما اکنون وی در «جنبش ماگا» به عنوان یک چهره جنگ طلب ترسیم می‌شود. در همین راستا به نقل از سی‌ان‌ان، سه چهارم مردم آمریکا اقتصاد کشورشان را «ضعیف» یا «بسیار ضعیف» ارزیابی می‌کنند؛ رقمی که تنها در دو ماه گذشته، همزمان با آغاز جنگ با ایران، از دوسوم به سه چهارم جهش کرده است. قیمت بنزین پس از حمله نظامی در اسفندماه جهش کرد و قیمت عمده‌فروشی کالاها در ماه گذشته ۴ درصد افزایش یافت.

نظرسنجی مشترک آسوشیتدپرس – مرکز ملی تحقیقات افکار عمومی (AP-NORC) نشان می‌دهد تنها ۲۳ درصد از شهروندان آمریکایی عملکرد کلی ترامپ را تأیید می‌کنند و رئیس‌جمهور به‌ویژه در حوزه هزینه‌های زندگی با پایین‌ترین امتیازات روبه‌روست. تحقیق مرکز پیو با بررسی بیش از ۸۰۰۰ بزرگسال آمریکایی نشان داد ۷۲ درصد وضعیت اقتصادی را «متوسط» یا «ضعیف» می‌دانند.

بیش از ۶۵ درصد از پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی شورای روابط خارجی (CFR) اعلام کردند، طیف گسترده‌ای از کالاهای روزمره از جمله خوراک، مراقبت‌های بهداشتی، مسکن و حمل‌ونقل گران‌تر شده‌اند. نکته حائز اهمیت آن است؛ اکنون که شعله‌های جنگ در خاورمیانه داغ‌تر از هر زمان دیگری می‌سوزد، نزدیک به ۷۰ درصد آمریکایی‌ها پیش‌بینی می‌کنند که سال ۲۰۲۶ با دشواری اقتصادی سهمگینی روبه‌رو خواهند بود.

فروپاشی معیشت مردم

استمرار وضعیت جنگی خلیج فارس پایه‌های معیشت آمریکایی را لرزان کرده است. صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد که جنگ ایران شتاب اقتصاد جهانی را متوقف کرده و پیش‌بینی رشد جهانی را ۰/۲ درصد کاهش داده همچنین نرخ تورم آمریکا سال ۲۰۲۶ به‌طور میانگین ۳/۲ درصد پیش‌بینی می‌شود که ۰/۶ درصد بالاتر از برآورد ژانویه (پیش از عملیات موسوم به خشم حماسی) ارزیابی می‌شود.

نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو (Pew Research Center) نشان می‌دهد قیمت سوخت به اصلی‌ترین نگرانی مردم تبدیل شده و حتی چشم‌انداز اقتصادی مثبت قبل از جنگ را نیز تضعیف کرده است، هرچند به گزارش واشنگتن پست این فشار معیشتی تنها به سوخت محدود نمانده و به شکل گسترده‌تری در قالب تورم و افزایش هزینه کالاها و خدمات ظاهر شده است.

افزایش هزینه حمل‌ونقل، مواد اولیه و انرژی باعث شده شرکت‌ها قیمت‌ها را بالا ببرند و این روند به کاهش قدرت خرید خانوارها منجر شده است. بسیاری از آمریکایی‌ها معتقدند این جنگ تأثیر منفی مستقیمی بر وضعیت مالی شخصی آنها دارد و حتی نشانه‌هایی از کاهش مصرف و احتیاط اقتصادی در جامعه دیده می‌شود. بخش قابل توجهی از افکار عمومی

حسین دبیان کارشناس مسائل راهبردی

تنش‌های جاری در منطقه، به‌ویژه در تنگه هرمز، پیامدهای عمیقی بر بازار جهانی نفت داشته و پیش‌بینی‌ها از بازگشت قیمت‌ها به سطوح پیشین تا سال ۲۰۲۹ را با تردید جدی مواجه کرده است. این تحلیل جامع، با ترکیب گزارش‌های موجود، به بررسی تأثیر تداوم جنگ بر بازار نفت، پیش‌بینی قیمت‌ها، درآمدهای احتمالی ایران و تاب‌آوری اقتصاد جهانی می‌پردازد.

۱. تحلیل صادرات، ذخایر و تأثیر بر عرضه جهانی

الف. کاهش صادرات از تنگه هرمز: کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در ماه مارس ۲۰۲۶، روزانه حدود هفت میلیون بشکه (معادل ۲۰۶ میلیون بشکه در ماه) صادرات کمتری نسبت به ماه پیش داشته‌اند که مستقیماً به اختلال در تنگه هرمز نسبت داده می‌شود.

با ادامه این روند تا پنجاهمین روز، افت صادرات به حدود ۳۵۰ میلیون بشکه رسیده است.

ب. ذخایر اضطراری جهانی: مجموع ذخایر اضطراری نفت خام و فرآورده‌های نفتی کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) حدود ۱/۸۲ میلیارد بشکه است (۷۵ درصد آمریکا، ۲۵ درصد ژاپن). این ذخایر، تنها حدود ۱۴۰ روز را واردات خالص روزانه ۱۳ میلیون بشکه‌ای کشورهای عضو IEA را پوشش می‌دهد. چین نیز با ۱/۳ میلیارد بشکه ذخیره، روزانه ۱۱ میلیون بشکه واردات دارد.

ج. محدودیت ذخایر جهانی در صورت ادامه سناریو موجود: ذخایر اضطراری نفت در جهان، گرچه قابل توجه است اما توان پوشش دهی بلندمدت کمبودهای ناشی از قطع صادرات را ندارد. در واقع، کاهش صادرات هفت میلیون بشکه‌ای کشورهای عربی خلیج فارس، معادل حدود ۳۰ درصد از نیاز خالص وارداتی IEA و چین است. با ادامه این روند، ذخایر موجود تنها برای حدود یک‌سال دیگر کافی است.

د. سناریوی تشدید بحران: در صورت حذف صادرات امارات و عربستان (حتی با اختلال در خطوط لوله فیجره و بنبع)، حذف هفت میلیون بشکه دیگر از صادرات روزانه، تقاضای جهانی را تشدید کرده و ذخایر موجود در این کشورها را کمتر از شش ماه پاسخگو خواهد کرد. این امر می‌تواند بحران انرژی جهانی را به وضعیت غیرقابل بازگشت بکشاند.

۲. وضعیت بازار نفت و پیش‌بینی قیمت‌ها

الف. پیش‌بینی قیمت نفت براساس سناریوهای جنگ: طبق تحلیل مؤسسه گلدمن ساکس، ادامه جنگ ایران

نزدیک به ۷۰ درصد آمریکایی‌ها نسبت به عملکرد دولت ترامپ منتقد و ناامیدند

قمارباز منفور



برش

ترامپ زمین‌گیر

کاخ سفید در جبهه ایران به بن‌بست نظامی رسیده که امکان گشایش آن به‌شکل آبرومندی برای ترامپ بسیار اندک ارزیابی می‌شود. در راستای همین روند، جان بولتون، مشاور امنیت ملی سابق رئیس‌جمهور آمریکا در مصاحبه با اصحاب رسانه خاطر نشان کرد: «ترامپ از این‌که با ایران توافقی برقرار نشود نگران است چون در آن صورت این

تنه‌ها نسبت به ادامه درگیری بدبین شده، بلکه آن را عامل بی‌ثباتی اقتصادی و فشار بر معیشت خود می‌داند. افزایش هزینه‌ها، نااطمینانی بازار و نگرانی از تداوم تورم باعث شده حمایت از جنگ کاهش یابد و مردم بیش از پیش پیامدهای اقتصادی آن را در زندگی روزمره خود احساس کنند.

مخالفت شهروندان با جنگ

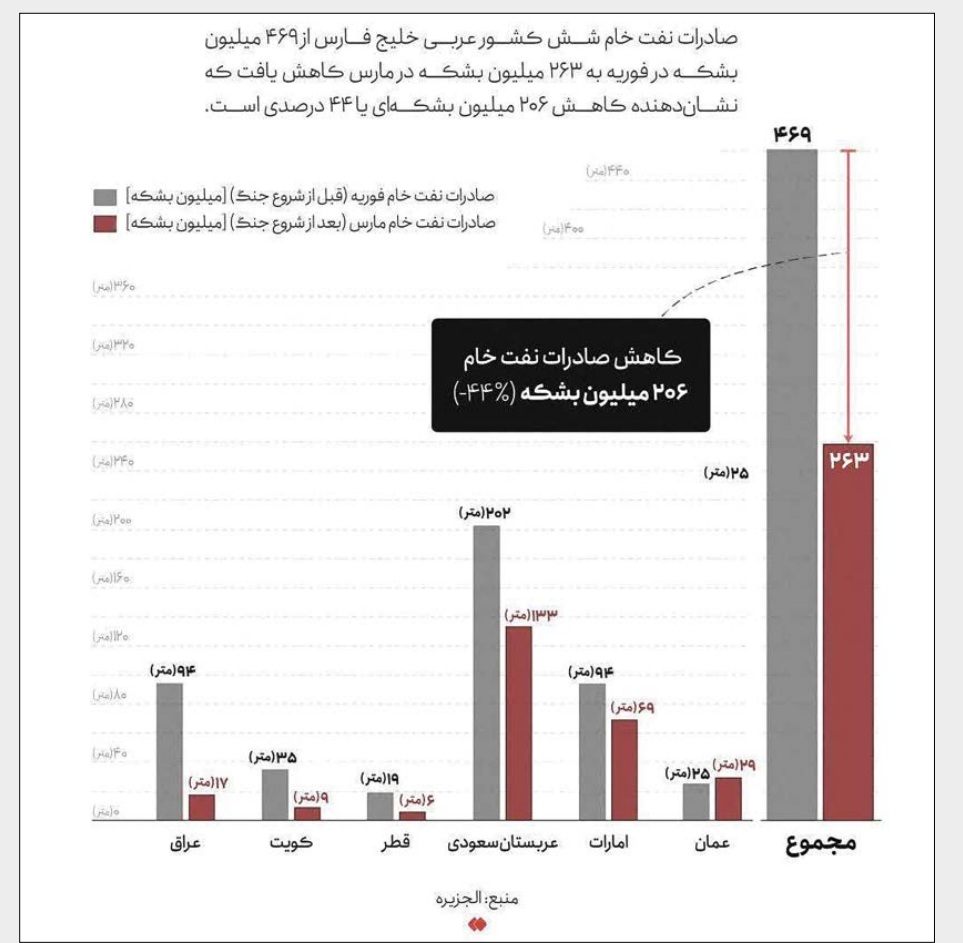
جنگ طلبی مقامات تصمیم‌سازان ایالات متحده با افکار عمومی این کشور در تضاد آشکاری است. براساس نظرسنجی مؤسسه اشلان اینسایتس (Echelon Insights) که سه‌شنبه منتشر شد، ۵۱ درصد از رأی‌دهندگان آمریکایی اقدامات نظامی پنتاگون علیه ایران را تأیید نمی‌کنند، در حالی

که ۴۲ درصد از این اقدامات حمایت‌کرده‌اند. همچنین میزان

گزارش

آمارها نشان می‌دهد تبعات جنگ ایران و آمریکا تا سال‌ها مانع از بازگشت قیمت انرژی به قبل خواهد شد

میراث شوم جنگ برای اقتصاد جهان



می‌تواند سناریوهای متفاوتی را برای قیمت نفت تا سال ۲۰۲۸ رقم بزند:

– ادامه جنگ تا شش هفته، بدون آسیب بلندمدت به تولید؛ میانگین قیمت نفت حدود ۸۰ دلار در هر بشکه پیش‌بینی می‌شود.

– ادامه جنگ تا شش هفته، با آسیب بلندمدت به تولید؛ میانگین قیمت به حدود ۹۵ دلار افزایش خواهد یافت.

– ادامه جنگ تا ۱۰ هفته آینده؛ میانگین قیمت تا سطح ۱۱۰ دلار بالا خواهد رفت.

ب. بازگشت به وضعیت پیش از جنگ: طبق گزارش سی‌ان‌ان، با توجه به معاملات آتی نفت برنت، انتظار نمی‌رود

آمریکا به جنگ جهانی اول، ۵۰ هزار کهنه‌سرباز در واشنگتن دی.سی «راهپیمایی برای صلح» برگزار کردند و تاج‌های یادبود را بر مزار سه تن از ۵۰ نماینده‌ای که سال ۱۹۱۷ علیه اعلام جنگ رأی داده بودند، نهادند. سه روز بعد، حدود ۱۷۵ هزار دانشجوی دانشگاه‌ها در سراسر کشور به یک «اعتصاب یک ساعته برای صلح» دست زدند. آن‌ها خواستار لغو برنامه‌های آموزشی افسران ذخیره (ROTC) شده و فریاد می‌زدند «مدارس، نه کشتی‌های جنگی»، داستان فوق نشان‌دهنده حساسیت بالای تاریخی مردم آمریکا به نبردهای بدون منطق بوده که همچنان قابل تعمیم است.

سقوط امپراتور مستبد

ترامپ، سرخوش از پیروزی زودرس در کاراکاس کاخ سفید را وارد باتلاق مرگباری کرده که به قیمت محبوبیتش میان شهروندان تمام شده است. در نظرسنجی مشترک رویترز/ ایپسوس در مارس ۲۰۲۶، میزان محبوبیت کلی ترامپ به ۳۶ درصد سقوط کرده که پایین‌ترین سطح در دوره دوم اوست؛ این عدد تنها یک هفته قبل ۴۰ درصد بود.

همزمان فقط ۲۹ درصد عملکرد اقتصادی او را تأیید کرده‌اند و در حوزه «هزینه‌های زندگی» این عدد حتی به ۲۵ درصد می‌رسد. همچنین ۶۱ درصد آمریکایی‌ها با حمله به ایران مخالفند و افزایش قیمت بنزین (حدود یک دلار در هر گالن) به عنوان عامل اصلی نارضایتی ذکر شده است.

محبوبیت کلی ترامپ حدود ۳۲ درصد گزارش شده و رضایت از عملکرد اقتصادی او به ۳۰ درصد کاهش یافته است.

در نظرسنجی آسوشیتدپرس، حدود ۷۵ درصد مردم اقتصاد را «بد» توصیف کرده‌اند که به‌طور مستقیم با شوک قیمتی ناشی از جنگ و انرژی نسبت داده شده است. به‌شکل کلی‌تر، محبوبیت ترامپ از محدوده حدود ۴۷-۴۰ درصد در ابتدای دوره به حدود ۳۶-۳۰ درصد در بحبوحه جنگ و بحران معیشتی سقوط کرده، در حالی که شاخص‌های کلیدی مثل رضایت اقتصادی (۳۰-۲۵ درصد) و حمایت از جنگ (حدود ۲۷ درصد) به‌شدت پایین است. در نتیجه افول ترامپ، سقوط جایگاه چهل و هفتمین رئیس‌جمهور آمریکا، حزب وی نیز در شرف شکست قریب‌الوقوع است.

مدل‌های پیش‌بینی و تجمیع نظرسنجی‌ها بهار ۲۰۲۶، تصویر کلی از ترکیب احتمالی کنگره به نفع دموکرات‌ها متعادل شده؛ داده‌های تحلیلی نهادهایی مانند Cook Political Report و FiveThirtyEight نشان می‌دهد در مجلس نمایندگان آمریکا، دموکرات‌ها شانس کسب بین ۲۲۰ تا ۲۳۰ کرسی را دارند، در حالی که جمهوریخواهان ممکن است به حدود ۲۰۵ تا ۲۱۵ کرسی محدود شوند؛ این به معنای از دست رفتن اکثریت برای جمهوریخواهان در سنایوهای محتمل است.

در مجلس سنا وضعیت فشرده‌تر است اما برخی سناریوها نشان می‌دهد دموکرات‌ها می‌توانند به ۵۱ تا ۵۳ کرسی برسند، در حالی که جمهوریخواهان در محدوده ۴۷ تا ۴۹ کرسی باقی بمانند. رقابت در ایالت‌های کلیدی تعیین‌کننده و حتی جابه‌جایی یکی دو کرسی می‌تواند کنترل سنا را تغییر دهد، به همین دلیل پیش‌بینی قطعی این بخش دشوار است.

ب. درآمدهای اضافی ایران و تأمین هزینه‌های بازسازی: با فرض ادامه جنگ و افزایش قیمت نفت نسبت به سال ۲۰۲۵ (حدود ۶۵ دلار در هر بشکه)، درآمدهای اضافی ایران از محل فروش میانگین ۱/۷ میلیون بشکه نفت در روز، براساس سناریوهای گلدمن ساکس، به ترتیب سالانه ۱۵،۹ و ۲۱ میلیارد دلار خواهد بود. این افزایش درآمد، با فرض تداوم شرایط، تا دو سال قابل تکرار است. این درآمدها، می‌تواند بخش قابل توجهی از خسارت‌های وارده به ایران در پی بازسازی پس از جنگ را تأمین کند.

ابعاد ژئوپلیتیکی بحران تنگه هرمز و سناریو ادامه جنگ

سناریوی بحران غیرقابل بازگشت: ادامه جنگ زیرساختی و تلاش برای ممانعت از صادرات ایران مانند تصرف جزیره خارک می‌توانست به واکنش متقابل ایران و تشدید بحران انرژی جهانی به مرحله‌ای غیرقابل بازگشت (حذف صادرات و تولید نفت منطقه خاورمیانه برای مدت طولانی) منجر شود.

محدودیت‌ها و ضرورت توافق: محدودیت‌های زمانی و ناتوانی در رساندن جنگ زیرساختی به نقطه غیرقابل بازگشت، ترامپ را به دستیابی به توافق و آتش‌بس، حتی با پذیرش اولیه شروط «آگانه برای بازگشایی تنگه هرمز را ملزم و ناچار کرد. هرچند، در ادامه ترامپ تلاش کرد از طریق محاصره دریایی ایران اهرم تنگه هرمز را از کار بیندازد که با موضع سخت ایران و بستن مجدد تنگه هرمز مواجه شده است.

موضع بازیگران بین‌المللی: کشورهای اروپایی، هند و شرق آسیا علاقه‌ای به ادامه درگیری‌ها در تنگه هرمز و خاورمیانه ندارند، که این خود عاملی برای فشارهای بین‌المللی جهت پایان دادن به تنش‌ها محسوب می‌شود.

مسیر بدون بازگشت برای آمریکا

تداوم تنش‌ها و اختلالات در تنگه هرمز، به‌ویژه با توجه به حجم صادرات و واردات متأثر و ذخایر محدود جهانی، قیمت نفت را در سطوحی بالا نگه خواهد داشت و بازگشت به وضعیت پیش از تنش‌ها تا سال ۲۰۲۹ بعید به نظر می‌رسد.

در حالی که این شرایط می‌تواند به افزایش قابل ملاحظه درآمدهای صادراتی ایران بینجامد و بخشی از هزینه‌های بازسازی پس از جنگ را تأمین کند، شکنندگی اقتصاد جهانی در برابر درگیری‌های طولانی‌مدت، ضرورت دستیابی به راهکارهای دیپلماتیک و توافق برای بازگشایی مسیرهای حیاتی مانند تنگه هرمز را بیش از پیش نمایان می‌سازد.